

قدرت نرم و بازدارندگی: مطالعه موردی توان موشکی جمهوری اسلامی ایران

جواد علی پور^۱، محمد میرزاجانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶

چکیده:

در تقابل بین ایران و ایالات متحده آمریکا، جلوگیری از توسعه توان نظامی، سیاسی و اقتصادی ایران یکی از چالش‌های مهم سیاست خارجی آمریکا است. یکی از موضوعات بحث برانگیز این تقابل، بازدارندگی قدرت موشکی ایران در مقابل ایالات متحده آمریکا است؛ اینکه توان موشکی چه قابلیت‌هایی برای امنیت و منافع ملی ایران در صحنه بین‌المللی دارد. بنابراین، در چارچوب نظریه واقع‌گرایی و با تأکید بر مفهوم قدرت نرم جوزف نای و با استفاده از تحلیل کیفی اسناد و متون یعنی روش اسنادی، این مقاله تلاش می‌کند تا به این سؤالات پاسخ دهد که چرا ایران برای افزایش قدرت نرم و ایجاد بازدارندگی، قدرت موشکی را انتخاب کرده است و آیا توان موشکی قابلیت تقویت قدرت نرم ایران و ایجاد بازدارندگی در مقابل ایالات متحده آمریکا را دارد؟ نتایج حاصل از مطالعه نمونه‌های عینی تقابل ایران و آمریکا نشان می‌دهد که با وجود برتری آمریکا از لحاظ نظامی، ایران توانسته با گسترش قدرت موشکی، توازن نامتقارنی را در مقابل آن ایجاد نماید که به افزایش بازدارندگی و چانه زنی بین‌المللی به عنوان دو مؤلفه قدرت نرم منجر شده است.

واژگان اصلی: قدرت موشکی، چانه زنی، جنگ نامتقارن، واقع‌گرایی، ایران، ایالات متحده آمریکا.

۱. استادیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) alipor@tabrizu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

مقدمه

تعارض و اختلاف بین ایران و ایالات متحده آمریکا تقریباً بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بروز کرد و بعد از تسخیر سفارت آمریکا در سیزده آبان ۱۳۵۸، این تقابل به شکلی حاد و جدی دنبال شد. بعد از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در نهایت آمریکا در کنار دیگر کشورهای غربی و بلوک شرق عملاً به عنوان پشتیبان و حامی رژیم بعث عراق معرفی شد. با شروع جنگ شهرها و حملات موشکی عراق، فرماندهان نظامی پی بردند که تهدید جدیدی به نام موشک به توان نظامی عراق اضافه شده و می‌تواند معادله جنگ را به نفع عراق عوض کند، لذا تعدادی موشک از نوع اسکاد بی از لیبی و کره شمالی تهیه گردید و در اسفند ۱۳۶۳ اولین موشک به کرکوک و بعد به بغداد شلیک شد. به دلیل تحریم، تهیه موشک به‌سختی انجام می‌شد، لذا گروهی از یگان‌های موشکی سپاه به فکر مهندسی معکوس موشک‌های موجود افتادند. این تلاش‌ها بعد از پایان جنگ نیز ادامه یافت و صنایع خودکفایی سپاه، تحقیقات و تولید موشک‌های ابتدایی را ادامه داده و با همکاری متخصصان خارجی توانستند اولین موشک‌های ایرانی را تولید کنند. از زمانی که ایران ساخت موشک‌های بالستیک مانند شهاب را شروع کرد، آمریکا و مخصوصاً اسرائیل این موضوع را تهدیدی برای خود فرض نمودند، زیرا ایران به دنبال افزایش برد موشک‌های خود به شعاع بیش از ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ کیلومتر بود و به راحتی امکان هدف قرار دادن اسرائیل و پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه برای ایران به وجود آمده بود. از طرف دیگر، تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای ایران و تهدید اسرائیل و آمریکا برای حمله به سایت‌های هسته‌ای، چالش جدیدی برای ایران ایجاد شد و لزوم پاسخ‌گویی در صورت حمله نظامی در سطح مقامات عالی کشور به طور جدی مطرح گردید و به تدریج مسئله موشک‌های بالستیک دوربرد و هوشمند و نقطه زن در دستور کار صنایع نظامی و دفاعی قرار گرفت. به رغم امضا توافق ایران و ۱+۵ یا برجام، توان موشکی ایران با وجود اصرار طرف غربی و آمریکا در توافق هسته‌ای گنجانده نشد. دلایل جمهوری اسلامی برای عدم مذاکره و مصالحه در موضوع توان موشکی این بود که قدرت موشکی ایران، کاربرد دفاعی داشته و یکی از عوامل اصلی قدرت نرم و بازدارندگی در مقابل قدرت‌های متخاصم علیه ایران است و به هیچ عنوان بر سر توان موشکی مذاکره صورت نخواهد گرفت. لذا این مسئله مطرح می‌شود که بر اساس مؤلفه‌های نظریه واقع‌گرایی و با توجه به عدم تقارن قدرت میان ایران و ایالات متحده آمریکا، ایران چگونه می‌تواند در برابر آمریکا بازدارندگی ایجاد نماید.

در مورد نقش توان موشکی ایران در ایجاد بازدارندگی و افزایش قدرت چانه‌زنی به ویژه در

برابر ایالات متحده آمریکا، منابع محدودی وجود دارد؛ علیرضا زمانیان و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان «ویژگی های راهبردی و قدرت بازدارندگی تسلیحات موشکی با تمرکز بر جمهوری اسلامی ایران» رابطه توان موشکی را با موازنه قدرت و بازدارندگی بررسی کردند. عمده بحث این مقاله در چارچوب مطالعات ژئوپلیتیکی و قدرت سخت است و تلاش می کند به این سؤال پاسخ دهد که تسلیحات موشکی چه مزایایی دارد که در کانون توسعه قدرت ایران قرار گرفته است. همچنین، امیر حاتمی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان «عوامل مؤثر بر بازدارندگی نظامی در حوزه دریا و هوا فضا»، عوامل بازدارندگی نظامی را در حوزه دریا و فضا مطالعه کردند. تفاوت این مقاله با پژوهش های پیشین در این است که توان موشکی و قابلیت دارا بودن آن را در چارچوب قدرت نرم مفهوم سازی می کند؛ هر چند خود موشک بخشی از قدرت نظامی و دفاعی محسوب می شود، اما قابلیت های چنین تسلیحاتی بخشی از عناصر قدرت نرم می شود که رقبا و دشمنان را بدون استفاده از آن از توسل به عمل یا کنشی باز می دارد.

از این رو، مقاله حاضر تلاش می کند تا به این سؤالات پاسخ دهد که چرا ایران برای افزایش قدرت نرم و ایجاد بازدارندگی، قدرت موشکی را انتخاب کرده است و آیا توان موشکی قابلیت تقویت قدرت نرم ایران و ایجاد بازدارندگی در مقابل دیگر بازیگران نظام بین المللی به ویژه ایالات متحده آمریکا را دارد؟. بدین منظور، این مقاله در چهارچوب نظریه واقع گرایی و با الهام از قدرت نرم جوزف نای از روش تحلیل کیفی و با مطالعه اسناد و متون (روش اسنادی) (سید امامی، ۱۳۸۶: ۱۹۶-۱۹۷) با تکیه بر داده های موجود کمی و کیفی استفاده می کند. در این پژوهش بیشتر از داده های کیفی (اسناد و متون) مثل پایگاه های اطلاعاتی، پایگاه های خبری، آمارهای ملی و بین المللی، اطلاعات مندرج در کتاب ها و مطبوعات، متون رسانه ای و مقاله های تخصصی استفاده می شود (سید امامی، ۱۳۸۶: ۲۰۹-۲۰۶).

چهار چوب نظری

تبیین نظری موضوع مقاله بر اساس تئوری های روابط بین الملل می تواند به نتیجه گیری در خصوص دلایل توسعه توان موشکی و دفاعی ایران و نقش آن در ایجاد بازدارندگی و افزایش قدرت چانه زنی در مقابل آمریکا و متحدان آن کمک نماید. با توجه به نقش اساسی قدرت و مخصوصاً قدرت نظامی در دنیای امروز که به تعبیر نظریه پردازان واقع گرا، دنیایی که آتارشی در آن حاکم

است، بررسی نقش قدرت نظامی در ایجاد بازدارندگی و توازن قدرت ضروری است. قریب به اتفاق واقع گرایان به آنارشیک بودن نظام بین الملل اعتقاد دارند، لذا در یک ساختار و سیستم آنارشیک که قدرت فائقه و برتر جهت ایجاد نظم سلسله مراتبی مانند نظم موجود در سطح ملی وجود ندارد، هیچ بازیگری، امنیت دیگران را تامین نمی کند، لذا توانایی و قدرت دفاع از خود نه تنها اهمیت پیدا می کند، بلکه به مسئله ای حیاتی برای تضمین بقا تبدیل می شود. هانس مورگنتا بر این باور است که در نظام بین الملل آنارشیک، توسل به زور میان دولت‌ها مشروعیت می یابد و جنگ به یک خصوصیت مهم بین المللی بدل می شود، البته مورگنتا قائل به وجود وضعیت طبیعی مطلق در صحنه جهانی نیست، بلکه به نوعی وضعیت طبیعی تعدیل شده باور دارد که در آن شاهد «جنگ همه علیه همه» در سیاست بین الملل نیستیم که «ضعیف در چنگال قوی و حق با قوی باشد» (Morgenthau, 1985: 243 به نقل از مشیرزاده، ۱۳۸۷: ۹۷). به رغم وجود پیشرفت‌های بشری در روابط بین الملل و با توجه به نظر مورگنتا در خصوص آنارشی تعدیل شده در جهان به هر حال امکان و احتمال وقوع جنگ همیشه وجود دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۷: ۹۷). توماس هابز نیز قدرت را تعیین کننده سرشت بشر می داند: بشر «نیاز ابدی و سیری ناپذیری به قدرت دارد که تنها با مرگ پایان می یابد» (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۱۵۷). او نتیجه می گیرد که در چنین شرایطی «میشاق‌ها بدون شمشیر» صرفاً کلماتی هستند که به هیچ وجه نمی توانند انسان را حفظ کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۷: ۷۸). از این رو، تمامی حاکمیت‌ها حق دفاع مشروع از خود را دارند و این نتیجه آشوب زدگی در نظام بین الملل است که تنها عامل ایجاد امنیت برای اعضای جامعه بین المللی، داشتن قدرت دفاع است که باید به هر طریق ممکن ایجاد شود، به نحوی که حاکمیت کشور با محاسبات فرا ملی اطمینان داشته باشد که در مقابل تهدیدات خارجی توان مقابله و دفاع از خود را دارد و هزینه ایجاد قدرت دفاعی، ارزش ایجاد بازدارندگی و امنیت بین المللی را دارد.

مطالعه رفتار قدرت‌های بزرگ نشان می دهد که تهدیدات بین المللی همیشه وجود داشته و نظریه واقع گرایی در خصوص آنارشی بین المللی و اهداف کشورها در جهت افزایش قدرت و لزوم دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی و ایجاد امنیت ملی و افزایش قدرت ملی کشورها معتبر و قابل اتکاء بوده است. واقع گرایان قدرت را پدیده ای چند بعدی می دانند که دارای هر دو مؤلفه نظامی و غیر نظامی است. این گونه توانایی ها نه تنها نیروهای نظامی، بلکه سطوح تکنولوژی، جمعیت، منابع طبیعی، عوامل جغرافیایی، شکل حکومت، رهبری سیاسی، استراتژی و ایدئولوژی را نیز در بر می گیرد. به طور

خلاصه مرکب از عوامل کمی (سخت) و کیفی (نرم) است (دوئرتی و فالترز گراف: ۱۳۸۴: ۱۴۴). به بیان جوزف نای، قدرت به دو بخش سخت و نرم تقسیم می شود. قدرت سخت توانایی های اقتصادی و نظامی را شامل می شود و قدرت نرم، توانایی یک کشور در وادار کردن کشورهای دیگر به وسیله جاذبه های فرهنگی و ایدئولوژیک و سیاست خارجی به این که همان چیزی را بخواهند که او می خواهد (Nye, 1990:182). هر چند، طبق نظر نای چنین استنباط می شود که «قدرت نرم توانایی به دست آوردن نتایج مطلوب با جذب به جای اجبار یا پرداخت است» (رئیس و همکاران، ۱۴۰۱)، با این حال، طبق تعریف نای می توان این گونه استدلال کرد که قدرت نرم عبارت است از توانایی یک کشور به وادار کردن دیگران به رفتاری بدون تهدید و دادن امتیازی که مد نظر است. نسخه کامل تر رویکرد نای چنین می شود که قدرت نرم عبارت است از وادار کردن دیگران به انجام کاری یا امتناع از انجام آن کار بدون اینکه علناً تهدید شود یا امتیازی داده شود.

همچنین، هر نوع حرکت یا اقدام دفاعی، مبتنی بر یک سلسله اهداف کلی است که آنها را «اهداف ملی» می نامند. اهداف کلی نظامی تابع اهداف کلی حاکمیت یا دولتی است که نیروی نظامی تابع آن دولت می باشد. به طور کلی هدف از ایجاد قدرت دفاعی برای هر کشوری دفاع و صیانت از تمامیت ارضی و امنیت ملی در سطوح بین المللی و ملی است. براساس قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز اهداف نظامی عبارتند از: «حفظ استقلال، تمامیت ارضی، نظام، منابع ملی خارج از قلمرو کشور و یاری بر ملل مسلمان یا مستضعف غیر معارض با اسلام» (قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۶: ماده ۵). لذا هر اقدام نظامی در چهارچوب اهداف ملی و اهداف نظامی تعریف می شود که برنامه موشکی ایران در چهارچوب این اهداف نظامی قرار دارد که بدون توجه به دانش، فناوری و پیشرفت، رویکرد دفاعی و بازدارنده دارد.

از این رو، با عنایت به اصول نظریه واقعگرایی و مؤلفه قدرت نرم می توان دریافت که لازمه حفظ امنیت، موجودیت و حاکمیت یک کشور در وضعیت آنارشی گونه نظام بین الملل ایجاد و ارتقاء قدرت ملی بوده و در تمامی زمینه ها این اقتدار لازم است. نقش قدرت نظامی ایجاد امنیت و تامین زمینه ثبات و آرامش لازم برای رشد و تعالی مؤلفه های غیر نظامی است. برای ارتقاء قدرت نظامی یک کشور باید مؤلفه های لازم ایجاد و به صورت مستمر در جهت پیشرفت و افزایش کیفیت آن اقدام کرد که توان موشکی، یکی از مؤلفه های مهم قدرت نظامی است. نگاهی به تاریخ و سوابق تلاش های ایران برای دست یابی به توان موشکی نشان می دهد که نوع رابطه ایران با قدرت های جهانی عامل تعیین کننده

نبوده، بلکه نگاه واقع گرایانه به ماهیت نظام بین الملل عامل مؤثری بوده است، چرا که در دوران پهلوی نیز همگام با پیشرفت دیگر کشورها در حوزه موشک، ایران برنامه های را برای توسعه موشکی در پیش گرفت. البته شایان ذکر است که قدرت نظامی به طور کلی و توان موشکی به طور خاص دارای دو بعد سخت و نرم است، یعنی بعد سخت قدرت نظامی برای میدان نبرد و جنگیدن است، در حالی که بعد نرم آن برای بازدارندگی و ننگیدن است. به عبارتی دیگر، «بازدارندگی به معنای استفاده از نیروهای مسلح نیست، از این رو نباید آن را به عنوان یک راهبرد برای جنگیدن به حساب آورد، بلکه به عقیده بسیاری از صاحب نظران، بازدارندگی نوعی راهبرد برای حفظ وضع موجود و دستیابی به سازش است» (پورشاسب، ۱۴۰۱). با این حال، قدرت نرم در سه سطح راهبردی، میانی و تاکتیکی قابل بررسی است که سطح تاکتیکی رویارویی قدرت نرم به نیروهای مسلح اختصاص دارد (جدیدی، ۱۴۰۱) که به رغم عدم توسل به جنگ و تهدید، طرف دیگر را با توجه به برخی قابلیت ها از کشتی و عملی باز می دارد. بنابراین، باید تأکید شود که با توجه به دکتین دفاعی ایران، هدف توان موشکی برای تهاجم به دیگران نیست و ماهیتی سخت ندارد، بلکه ماهیت آن تقویت عناصر نرم قدرت از جمله بازدارندگی و چانه زنی بین المللی است.

تاریخچه برنامه موشکی ایران

دست یابی به قدرت موشکی از اواخر سلطنت محمدرضا پهلوی آغاز و با فراز و نشیب هایی روبرو گردید. عمده این فراز و نشیب ها و تلاش ها برای دست یابی به موشک های بالستیک را به چهار دوره می توان تقسیم کرد:

۱- دوره اول: دوران پهلوی

اولین تلاش های ایران برای دستیابی به موشک های بالستیک به سال های آخر دوره پهلوی برمی گردد که در اوایل دهه ۱۹۷۰، درخواست شاه برای تهیه موشک های زمین به زمین کوتاهبرد لنس^۱ را که واشنگتن قبلاً به ترکیه فروخته بود، ایالات متحده امریکا رد کرد. لذا شاه برای توسعه مشترک یک موشک بالستیک با قابلیت حمل کلاهک های متعارف و هسته ای به اسرائیل نزدیک شد و در بهار ۱۹۷۷، دو کشور قراردادی محرمانه امضا کردند که بر اساس آن، ایران باید یک میلیارد دلار برای هزینه های تحقیق و توسعه موشک و همچنین ایجاد یک سایت آزمایشی مشارکت کند (-Beit

^۱. Lance

Hallahmi, 1988: 11 and 12, qouted in: Taremi, 2005). تلاش های پهلوی برای

دست یابی به موشک به دلیل وقوع انقلاب بی نتیجه ماند.

۲- دوره دوم: از پیروزی انقلاب تا پایان جنگ عراق علیه ایران (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷)

انگیزه اولیه برای تصمیم مجدد ایران جهت به دست آوردن موشک‌های بالستیک، بازدارندگی در مقابل حملات موشکی عراق بود. تجربه زمان جنگ نقش مهمی در شکل دادن به برداشت‌های اولیه در زمینه استفاده از موشک در جنگ‌های متعارف ایفا کرد (Taremi, 2005). اولین اقدام ایران برای خرید و استفاده از موشک‌های بالستیک به سال ۱۳۶۳ بر می گردد که با دستور معمر قذافی، تعدادی موشک اسکاد بی به همراه یگان موشکی از طریق سوریه به ایران ارسال گردید و در اسفند همان سال به سوی بغداد شلیک شد (عالیمان، ۱۳۹۲: ۲۷۲).

۳- دوره سوم: از پایان جنگ (۱۳۶۷) تا ۱۳۸۰

در این دوره، تقریباً با فاصله کوتاهی بعد از انتقال تکنولوژی ساخت موشک‌های اولیه مانند اسکاد بی، سیاست ساخت و توسعه موشک‌های بومی با الگو گرفتن از موشک‌های روسی یا چینی در دستور کار قرار گرفت. از زمانی که مهندسان ایرانی توانستند موشک‌های اسکاد را خودشان بسازند، زرادخانه موشک‌های بالستیک ایران تبدیل به «گوهر تاج» صنایع دفاعی این کشور شد (McInnis, 2017: 125). با تشکیل سازمان صنایع هوا فضای وزارت دفاع در سال ۱۳۷۷ (قبلاً این سازمان با نام صنم و زیر نظر سازمان صنایع دفاع بود)، مأموریت ساخت و توسعه موشک‌های بالستیک دوربرد به این سازمان واگذار گردید و در سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۸) موشک میان برد شهاب ۳ با برد نزدیک به ۱۳۰۰ کیلومتر آزمایش شد و در واقع نقطه عطفی در تاریخ ساخت موشک‌های بومی ایرانی محسوب شد (مستند بازدارنده: ۱۳۹۹).

۴- دوره چهارم: ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۲

این دوره را می توان دوره تکامل و بلوغ قدرت موشکی ایران نامید. از سال ۱۳۸۰ به بعد تولیدات موشکی ایران هم از لحاظ کیفیت، برد، دقت و نقطه زنی و هم از لحاظ کمیت و تنوع محصولات، رشد سریع و پلکانی را طی نمود و به نحوی که به سرعت به یکی از قدرتهای موشکی منطقه تبدیل شد. در این دوره به رغم موانع، محدودیت ها و مشکلات پیش رو، جمهوری اسلامی ایران توانست به دستاوردهای چشمگیری در زمینه توانمندی بومی موشکی دست یابد (عزیزی بساطی، ۱۴۰۰: ۸).

مزایای قدرت موشکی

توان موشکی در مقایسه با دیگر تسلیحات دفاعی با توجه به شرایط ژئوپلیتیکی کشور، نوع تهدیدات و روابط با قدرت های بزرگ، هزینه ساخت و قابلیت عملیاتی دارای مزیت هایی است که در زیر توضیح داده می شود.

۱- **قدرت مانور زیاد و سرعت در پاسخ متقابل:** با توجه به سرعت آماده سازی و سرعت حمل و جابجایی موشک های دوربرد می توان در کمترین زمان نسبت به آماده سازی و پرتاب آن اقدام نمود. در واقع، سرعت، مکمل مانورپذیری موشک های مافوق صوت است و کارایی آنها را به میزان در خور توجهی افزایش می دهد. موشک های بالستیک یا کروز با سرعت مافوق صوت خود می توانند دشمن را غافل گیر و ضربه غافل گیرانه و نابود کننده بر آن وارد آورند. باتوجه به روزنه زمانی کوتاه و سرعت زیاد، تنها تدابیر دفاعی بسیار واکنشی و توانمند قادر خواهند بود بر موشک های شلیک شده فائق آیند. این امر احتمالاً بدان معناست که سامانه های دفاعی فضا پایه یا زمین پایه جدید نظیر سامانه های رهگیری در مرحله شتاب با سامانه های بسیار توانمند رهگیری میانه راه مورد نیازند (عزیزی بساطی، ۱۴۰۰: ۱۶۳).

۲- **قدرت تخریب مؤثر:** قابلیت اصلی موشک های بالستیک به نوع کلاهک آن بستگی دارد. لیکن بدون به کار گیری کلاهک های هسته ای نیز قدرت بازدارندگی موشک های بالستیک زیاد است. قدرت تخریبی موشک تابعی از سرعت در مرحله پایانی مسیر و در زمان برخورد آنها با هدف است. قدرت تخریبی متغیری است که این موشک ها را به ویژه در سطح تاکتیکی مهم می سازد. اما در صورتی که ارزش راهبردی و تعیین کننده خاصی از این موشک ها را در نظر داشته باشیم کلاهکی که روی این موشک ها نصب می شود، اهمیت خاصی می یابد (قوام ملکی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

۳- **ضربه مؤثر بدون دفاع متناسب و مقابله قطعی:** بر خلاف جنگنده ها و بمب افکن های استراتژیک کشورهای ابرقدرت که هدف راحتی برای سیستم های دفاع هوایی جدید می یابند، حتی اگر بتوان سیستم های قدرتمندی برای مقابله با موشک های شلیک شده طراحی و مستقر نمود، هزینه های استقرار این سیستم ها به هیچ وجه قابل مقایسه با هزینه موشک هایی نیست که با آنها مقابله خواهد شد و امکان پرداخت این هزینه ها از عهده همه کشورها بر نمی آید. ضمناً اگر پرتاب موشک ها به صورت انبوه و در فاصله زمانی کم را تصور کنیم، حتی این سامانه های پیشرفته هم در مقیاس وسیع قادر به مقابله با حجم وسیعی از موشک ها نیست.

قابلیت دیگر موشک‌ها امکان تکذیب اقدام به حمله می باشد، زیرا بعد از پرتاب معمولاً اثری از محل پرتاب وجود نداشته و بعد از اثبات نیز امکان ردیابی آن بسیار دشوار و یا غیر ممکن است (نمونه های این امکان در جنگ سوریه و یمن وجود دارد)، لذا امکان تکذیب اقدام و یا ایجاد شبهه در طرف مقابل امکان پذیر بوده و در صورتی که اقدام کننده به طور رسمی مسئولیت اقدام را نپذیرد، اثبات آن به راحتی ممکن نیست (مانند حمله به تاسیسات شرکت نفت آرامکو عربستان در سال ۲۰۱۹ که طرف عربستانی به طور قطع نتوانست مبدا پرتاب را تشخیص دهد).

۴- دسترسی به اهداف دوردست با دقت نقطه زنی: هر چه برد یک موشک افزایش یابد، تنظیم و حفظ دقت مسیر آن ها دشوارتر می شود و به فناوری های پیشرفته تری نیاز دارد؛ بنابراین از عوامل مهم دیگر در توانمندی موشکی علاوه بر افزایش برد، تقویت دقت هدف گیری آنهاست تا اهداف نقطه ای مورد حمله قرار گیرند؛ در این صورت توانایی های تاکتیکی موشکی افزایش می یابد (بشری، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۶). ایران با افزایش تدریجی برد و دقت موشک‌های خود و با آزمایش‌های متعدد و نمایش رسانه‌ای آن توانسته این قدرت را به یک قدرت بازدارنده مؤثر تبدیل نماید.

۵- تولید ارزان و در مقیاس وسیع: با توجه به هزینه های گزاف خرید سلاح‌های متعارف در دنیا، ایران توانسته با استفاده از قابلیت‌های گفته شده در مورد موشک‌ها (هزینه کم و فناوری ابتدایی) با کمترین امکانات و در محدودیت‌های شدید بین المللی، تکنولوژی ساخت برخی از موشک‌ها را به گروه‌های مقاومت همسو با خود مانند حماس و حزب الله لبنان و حوثی‌های یمن منتقل نموده و با کمترین امکانات به نحوی معادلات جنگ را تغییر دهد، در واقع ایران توانسته با این موشک‌ها و پهپادهای ابتدایی نوعی توازن قدرت نامتقارن را در مقابله با کشورهای قدرتمند از نظر امکانات نظامی (عربستان و ائتلاف عربی با پشتیبانی آمریکا و اسرائیل) ایجاد نماید. برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران مقرون به صرفه، کارآمد و بخش کانونی راهبرد بازدارندگی این کشور و شکل دهنده به موازنه نظامی در منطقه خاورمیانه است. از این رو، ایران دارای انگیزه قوی برای توسعه موشک‌های متعارف هدایت شونده و دقیق است که می تواند به آن «قابلیت‌های حمله نزدیک به سلاح‌های کشتار جمعی» بدهد. ایران زرادخانه موشک‌های بالستیک و کروز خود را به عنوان یک موازنه گر کلیدی در برابر مزایای کمی و کیفی و برتری‌های دشمنانش در نظر گرفته است. به همین دلیل، ایران به تلاش‌های گسترده خود برای سرمایه گذاری در زمینه بهبود و ارتقای میزان دقت و مرگبار بودن

⁵ Weapons of Mass Effectiveness (WME)

موشک‌های خود ادامه می‌دهد (Edelman & McNamara : 2017 :35).

۶- مسائل و محدودیت‌های بین‌المللی: کشورهایی که به دنبال دستیابی به توانمندی موشکی به عنوان راهبرد اصلی سیاست دفاعی خود هستند، از نظر حقوقی - بین‌المللی با توجه به خلأ مقررات الزام آور بین‌المللی، از آزادی عمل بیشتری نسبت به دیگر انواع تسلیحات اعم از متعارف و نامتعارف برخوردار هستند (عزیزی بساطی، ۱۴۰۰: ۱۶۹). البته باید توجه داشت که قدرت‌های غربی و ایالات متحده بارها سعی نموده‌اند که با اتهام زنی‌های متعدد در محافل بین‌المللی برنامه موشکی ایران را به برنامه ساخت سلاح هسته‌ای مرتبط ساخته و به نوعی از گسترش قدرت موشکی ایران جلوگیری نماید.

۷- استفاده در برنامه‌های فضایی و خارج از جو (پرتاب ماهواره): موشک‌های بالستیک علاوه بر کاربرد اصلی در قدرت نظامی و ایجاد بازدارندگی در برنامه‌های فضایی؛ برای کاربردهای علمی، تحقیقاتی و همچنین اهداف غیر نظامی مانند پرتاب ماهواره نیز استفاده می‌گردد.

۸- امکان استفاده در هر شرایط محیطی، زمانی، مکانی: موشک‌ها بر خلاف تجهیزات متعارف نظامی، تقریباً در تمام شرایط آب و هوایی و جغرافیایی قابل استفاده می‌باشند. موشک‌ها دارای قابلیت پرتاب از سکوه‌های ثابت و متحرک (لانچر)، هواپیما، کشتی، قایق‌های تندرو، دوش پرتاب (قابل حمل با نفر) و پایگاه‌های زیرزمینی ثابت هستند.

بحث، بررسی و تحلیل

یکی از مجهولات مهم این تحقیق این است که با وجود عدم توازن قدرت بین آمریکا و ایران، قدرت موشکی ایران چگونه می‌تواند در مقابل آمریکا بازدارندگی مؤثری ایجاد نماید؟ در خصوص عدم توازن قدرت بین ایران و آمریکا می‌توان به این نتیجه رسید که با وجود برتری بارز نظامی آمریکا از لحاظ کمیت و کیفیت نیرو و ادوات نظامی، ایران با استفاده از موقعیت ژئواستراتژیک خود در خاورمیانه، وجود مرزهای گسترده با همسایگان، ایجاد گروه‌های طرفدار نیابتی و با استفاده از جنبه ایدئولوژیک در نیروهای نظامی، گسترش حضور نظامی در خلیج فارس، ایجاد و گسترش قدرت موشکی با توان بومی و متخصصین داخلی، بدون وابستگی به قدرت‌های نظامی جهان، همچنین نمایش عملی قدرت موشکی و اراده به کارگیری آن در مواقع لزوم، توانسته نوعی توازن قدرت نامتقارن را ایجاد نماید که این توازن نامتقارن عملاً به ایجاد بازدارندگی در مقابل ایالات متحده آمریکا انجامیده است.

همچنین این سؤال مطرح می شود که چرا ایران از میان توانایی های نظامی مادی (سخت)، چرا توان موشکی را انتخاب کرده است و به عبارتی بهتر، مزایا و برتری قدرت موشکی نسبت به سایر جنگ افزارهای موجود چیست؟ مزیت اصلی قدرت موشکی را می توان در موارد زیر جمع بندی کرد: الف) قدرت مانور زیاد و سرعت در پاسخ متقابل ب) قدرت تخریب مؤثر ج) ضربه مؤثر بدون دفاع متناسب و مقابله قطعی د) دسترسی به اهداف دوردست با دقت نقطه زنی م) تولید ارزان و در مقیاس وسیع ن) عدم وجود مسائل و محدودیت های بین المللی و) استفاده در برنامه های فضایی و خارج از جو (پرتاب ماهواره)، امکان استفاده در هر شرایط محیطی، زمانی و مکانی. موارد متعدد دیگری نیز برای مزیت و برتری قدرت موشکی نسبت به سایر جنگ افزارهای نظامی وجود دارد که می توان به ایجاد رعب و وحشت همگانی در کشور متخاصم، عدم امکان رهگیری مناسب راداری توسط حریف مقابل و امکان انکار بعد از اقدام (مانند حمله موشکی به تاسیسات شرکت نفتی آرامکو عربستان در سال ۱۳۹۸ توسط مبارزین یمنی یا هر بازیگر دیگر که فقط در حد ادعا و گمانه زنی باقی ماند)، امکان انتقال سریع تکنولوژی به گروه های طرفدار در خارج از کشور و با کمترین وقت و هزینه (مانند انتقال تکنولوژی ساخت موشک به مبارزین غزه، حزب الله لبنان و مبارزین یمنی)، امکان نصب و حمل سلاح های خاص مانند کلاهک هسته ای، کلاهک های خوشه ای، کلاهک شدیدالانفجار، کلاهک های شیمیایی، میکروبی و بیولوژیکی، عدم امکان نابودی قبل از شلیک به دلیل غیر قابل ردیابی بودن نیز اشاره کرد، در حالی که جنگ افزارهای دیگر بایستی با وقت و هزینه زیاد تولید شده و هر جنگ افزاری برای شرایط و زمان و مکان خاصی می تواند استفاده شود، می توان گفت که مزیت اصلی قدرت موشکی دسترسی به مناطق دور دست و حتی کشورهای غیر همسایه ای است که حتی با هواپیماهای جنگنده مدرن نیز دسترسی به آن مناطق تابع شرایط و امکانات خاصی می باشد. این مزیت یکی از مؤلفه های ایجاد بازدارندگی نسبت به سایر جنگ افزارها می باشد.

علاوه بر این، در مورد سرمایه گذاری ایران بر روی توانای موشکی، این بحث وجود دارد که آیا بدون قدرت موشکی هم می توان به بازدارندگی لازم در مقابل آمریکا رسید؟ با توجه به نظریه های واقعگرایی و نو واقعگرایی چنین برداشت می شود که در نظام بین الملل نوعی آنارشی (یا به تعبیر مورگنتا وضعیت طبیعی تعدیل شده) وجود دارد که حفظ امنیت ملی برای هر حاکمیتی لازم است و برای حفظ امنیت نمی توان به کشورهای دیگر متکی بود و در واقع برای حفظ امنیت ملی در نظام بین الملل خودیاری لازم است. در وضعیت آنارشی نظام بین الملل، رفتار کشورهای امپریالیستی

قدرتمند مانند آمریکا، افزایش هر چه بیشتر سلطه و نفوذ (چه از نوع سخت و چه از نوع نرم آن) در کشورهای ضعیف‌تر می‌باشد. طبق نظر مورگنتا چون حفظ نظام بین‌المللی ارزش مشترک همه اعضا می‌باشد، دیگران در مقابل دولت امپریالیست مقاومت می‌کنند. سیاست مناسب در برابر دولت امپریالیست به هیچ وجه نمی‌تواند تبعیت باشد، بلکه باید سیاست سد نفوذ را در پیش گرفت. به نظر می‌رسد در زمان حال اغلب کشورهای امپریالیست سیاست نفوذ و تسلط فیزیکی را دنبال نمی‌کنند، اما ایالات متحده به استناد رفتارهای بین‌المللی‌اش در ۷۰ سال اخیر ثابت کرده است که به اتکای قدرت برتر نظامی، اگر کشور یا حاکمیتی به اقتدار آمریکا لطمه‌ای قابل توجه وارد نماید، از حمله و تهاجم نظامی بر علیه کشور مقابل استفاده می‌نماید. در مقابل این رفتارها، به نظر مورگنتا سه نوع رفتار می‌توان در پیش گرفت: (۱) اقناع (۲) مصالحه (۳) تهدید به کاربرد زور؛ دو رفتار اول زمانی می‌تواند مؤثر باشد که هر دو حاکمیت متقابل هم در وضعیت قدرت تقریباً یکسان یا نزدیک به هم قرار داشته باشند، اما وقتی یکی از طرفین، کشوری قدرتمند مانند ایالات متحده آمریکا باشد، قدرت برتر نظامی آمریکا امکان توافق بر اساس اقناع یا مصالحه را نزدیک به صفر می‌رساند، لذا در صورتی که حاکمیتی سیاست استقلال و عدم وابستگی به ایالات متحده آمریکا را در پیش بگیرد، بدون داشتن قدرت فائقه و مؤثر در مقابل ایالات متحده آمریکا، (به طوری که هزینه تهاجم را برای ایالات متحده آمریکا به نحوی افزایش دهد که سود آن کمتر یا برابر با زیان آن باشد)، عملاً امکان پذیر نیست و باید رفتار سوم یعنی تهدید به کاربرد زور را در پیش گرفت و این همان مفهوم بازدارندگی در مقابل ایالات متحده آمریکا می‌باشد.

در راستای بحث قبلی این سؤال مطرح می‌شود که دلیل اصلی مخالفت آمریکا و متحدانش با گسترش قدرت موشکی ایران و همچنین دلیل ترور دانشمندان حوزه دفاعی چیست؟ قسمتی از جواب این سؤال به جواب سؤال قبلی بر می‌گردد، یعنی با توجه به اهداف ایدئولوژیک و سیاست ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا به عنوان کشور امپریالیستی و قدرتمند که از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی اهداف مغرضانه‌ای را در قبال جمهوری اسلامی ایران دنبال نموده به نحوی که حتی از نفوذ و حمله نظامی به طیس برای آزادی گروگان‌های سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۷، حمله به سکوه‌های نفتی، درگیری با ناوچه‌های ارتش ایران، ارایه کمک و خدمات اطلاعاتی به ارتش عراق برای حمله دقیق‌تر به اهداف در ایران، تحریم‌های همه‌جانبه هوشمند و اقدامات تهاجمی مستقیم و غیر مستقیم علیه ایران، می‌توان به این نتیجه رسید که تا زمانی که حاکمیت کنونی

ایران پابرجا باشد، ایران به عنوان کشوری متخاصم و تهدید جدی و مهم برای ایالات متحده آمریکا محسوب خواهد شد، شواهد و قرائن موجود نیز این ادعا را ثابت می کند، تمدید قانون حالت فوق العاده در تمام دوره‌های ریاست جمهوری آمریکا و قرار دادن ایران در لیست تهدیدات ملی آمریکا، همگی گواه بر این است که ایران همواره جزو تهدیدات واقعی برای آمریکا تلقی شده و می بایستی این تهدید به طور کلی حذف یا به نحوی ضعیف شود که امکان تقابل نظامی یا اقتصادی با این تهدید فراهم آید. به عنوان نمونه، در سند بازنگری دفاع موشکی ۲۰۱۹ آمده است: تمایل ایران برای داشتن موازنه راهبردی در برابر آمریکا می تواند این کشور را به سمت تصاحب موشک های قاره پیمای سوق دهد و پیشرفت هایش در برنامه فضایی می تواند مسیر دستیابی به موشک های قاره پیمای را کوتاه کند، در این صورت ایران توانایی حمله به خاک آمریکا را خواهد داشت (Defense Missile Review, 2019). لذا برنامه موشکی ایران همواره تهدیدی برای منافع ایالات متحده آمریکا قلمداد خواهد شد. یکی از مهمترین عوامل و ابزارهای کارآمد نظام جمهوری اسلامی برای مقابله با تهدیدات سخت ایالات متحده آمریکا، قدرت نظامی ایران و در راس آن قدرت موشکی است که با توجه به دکترین دفاعی ایران از دهه ۱۳۷۰ به بعد این قدرت ایجاد و به سمت خود اتکایی و عدم وابستگی به کشورهای قدرتمند حرکت کرده و در حال حاضر قدرت بازدارندگی مناسبی را در مقابل ایالات متحده آمریکا و هم پیمانان منطقه‌ای آن مانند کشورهای حاشیه خلیج فارس و اسرائیل ایجاد نموده است. با توجه به مطالب بالا از دیدگاه تئورسین‌های نظامی و سیاسی آمریکا، تضعیف یا نابودی قدرت بازدارندگی ایران باید در دستور کار همه دولت‌های این کشور قرار گیرد، لذا همواره سعی در تقابل نرم و سخت با گسترش و تقویت قدرت موشکی ایران داشته و از راه‌های گوناگون مانند کشاندن مسئله موشک‌های بالستیک دوربرد ایران به شورای امنیت سازمان ملل و اضافه نمودن آن به مذاکرات هسته‌ای و حتی توافق هسته‌ای برجام، ایجاد ایران هراسی و تنفر عمومی از اقدامات دفاعی ایران در سطح جهان با استفاده از ابزار رسانه و قدرت نرم در افکار عمومی جهت ایجاد آشوب و ناامنی داخلی در ایران استفاده نموده است. گذشته از این اقدامات حذف فیزیکی دانشمندان دفاعی و هسته‌ای ایران نیز در دستور کار سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل قرار داشته و این موضوع به وضوح از زبان سران اسرائیل و نمایندگان تندرو کنگره و سنای آمریکا بیان شده است. هر چند به اعتراف برخی مانند باراک اوباما رئیس جمهور سابق آمریکا، نمی‌توان دانش را بمباران یا حذف فیزیکی (ترور) کرد، اما این گونه اقدامات به نظر آنان می

تواند با ایجاد رعب و وحشت در دانشمندان و متخصصین ایرانی، تا حدودی سرعت چرخش و حرکت قطار دانش و پژوهش را کند نماید.

در کنار بحث بازدارندگی، این مسئله نیز مطرح می شود که آیا قدرت موشکی ایران می تواند قدرت چانه زنی را در سطح بین المللی افزایش دهد؟ در جواب این سؤال می توان به این نتیجه رسید که تجربه چهل ساله نشان داده که اقناع و مصالحه (طبق نظر مورگنتا در دیپلماسی) نقش چندان موثری در روابط بین ایران و آمریکا نداشته و ایالات متحده آمریکا در همه ابعاد در حال مقابله با ایران می باشد، لذا نقش تهدید به کاربرد زور هم از طرف ایران و هم از طرف آمریکا بسیار پر رنگ بوده و به نوعی تکیه گاه دیپلماسی ایران و آمریکاست. با این وجود قدرت نظامی و مخصوصاً قدرت موشکی ایران به عنوان ابزار قدرتمند در پشتیبانی از دیپلماسی ایران در مقابل آمریکا و قدرت های جهانی هم پیمان با آمریکا متخاصم با ایران به شمار می رود. تجربه مذاکرات بین ایران و ۱+۵ نشان داد که قدرت مؤثر بازدارندگی ایران باعث شد که قدرت های برتر نظامی و اقتصادی جهان پس از سال ها تقابل سخت ایالات متحده و همپیمانان غربی آن با ایران برای حل مسئله هسته ای ایران و به تصور خودشان برای جلوگیری از تبدیل شدن ایران به قدرت هسته ای، راه دیپلماسی و گفتگو را برگزینند، در حالی که اگر توان تقابل نظامی و جنگ سخت را در مقابل ایران داشتند، از به کار بردن زور خودداری نمی کردند. پس قدرت موشکی نقش مؤثری در چانه زنی و پیشبرد اهداف دیپلماسی ایران دارد. در واقع، اگر ایران از چنین قدرتی برخوردار نبود و قدرت ضربه زنی و ایجاد هزینه جدی و تقریباً غیر قابل جبران در کوتاه مدت برای حریف را نداشت، پشتوانه اصلی خود را از دست داده و باید به مصالحه و اقناع روی می آورد که در مقابل قدرت برتر جهانی مانند آمریکا که اساساً در مقابل کشورهای متخاصم، محاسبات سود و هزینه تهاجم را در نظر می گیرد، در واقع سود تهاجم بر هزینه آن پیشی گرفته و بلادرنگ اقدام به تهاجم و جنگ می نمود. نمونه این محاسبه در جنگ بین عراق و آمریکا در سال (۲۰۰۳) قابل مشاهده است و آمریکا با کمترین هزینه و خسارت انسانی نظام دیکتاتوری صدام را از بین برد و عراق را اشغال نظامی کرد. بنابراین، قدرت نظامی یا برخی از مؤلفه های قدرت نظامی می تواند بخشی از قدرت نرم یک کشور تشکیل دهد، از این حیث که بازیگران رقیب و متخاصم را از مبادرت به برخی رفتارهای خشونت آمیز و خصمانه علیه امنیت و منافع آن منع می کند.

در نهایت، پس از پاسخ به این سؤالات فرعی، به سوال اصلی تحقیق می پردازیم که آیا توان

موشکی ایران قابلیت ایجاد بازدارندگی در مقابل ایالات متحده آمریکا را دارد؟ بررسی دلایل عدم واکنش آمریکا به حمله موشکی ایران به پایگاه نظامیان آمریکایی عین الاسد می تواند به روشن شدن نتیجه تحقیق و نقش بازدارندگی قدرت موشکی ایران کمک نماید، گرچه با بررسی جزئیات چگونگی حمله، آماده سازی شرایط حمله، زمان و مکان حمله می توان به جزئیات جانبی بیشتری از قدرت نظامی ایران از قبیل، قدرت سایبری و جنگ الکترونیکی، اشراف اطلاعاتی، تجهیزات و شبکه راداری پیشرفته، اراده لازم جهت تصمیم گیری و اقدام نظامی متناسب و دیگر عوامل موثر نظامی پی برد، لیکن جهت حفظ خط سیر تحقیق به اصل موضوع بازدارندگی قدرت موشکی می پردازیم.

برای اثبات بازدارندگی توان موشکی می توان به موارد عینی رخ داده در گذشته رجوع کرد که در برابر اقدامات ایران در پاسخ به زیاده خواهی آمریکا، چه واکنشی از سوی این کشور صورت گرفته است. در این راستا، چرا آمریکا در برابر حمله موشکی ایران به پایگاه نظامیان این کشور در عین الاسد و اقدامات مشابه از جمله سرنگونی پهپاد بسیار پیشرفته آمریکا [گلو بال هاوک¹]، گرفتن پهپاد آمریکایی بر فراز ایران [کترل و فرود سالم پهپاد RQ-170] و بازداشت ملوانان آمریکایی در تنگه هرمز پس از نقض حاکمیت ایران از سوی آنها واکنشی نشان نداد؟ علت راهبردی که سبب شد آمریکا واکنش نشان ندهد به فرضیه هدف قرار گرفتن اسرائیل و همه پایگاهها و منافع آمریکا [توسط موشکهای بالستیک ایران] در منطقه مرتبط است. علاوه بر این، توان موشکی برای ضربه زدن به منافع مشترک آمریکا با کشورهای حوزه خلیج فارس که میزبان پایگاهها و شرکت های نفت و گاز و استخراج انرژی و نیز دهها هزار غیرنظامی آمریکایی اعم از مستشار و متخصص از دلایل عمده عدم واکنش واشنگتن به اقدامات ایران است.

در اینجا یادآوری دوباره تعریف بازدارندگی می تواند مفید واقع شود، بازدارندگی، وضعیتی است که حریفی، حریف دیگر را بدون به کارگیری قوهی قهریه و صرفاً با تهدید به به کارگیری آن یا قابلیت چنین پاسخی به اجابت خواسته ی خود و می دارد یا از خواسته ای منصرف می کند. فرجام سخن این که اینها نمونه ای از رفتار آمریکا در مقابل اقدامات جمهوری اسلامی ایران است که به وضوح نشان می دهد که ایالات متحده آمریکا تاکنون از اقدام جدی نظامی و حتی محدود در قبال ایران خودداری نموده و اقدامات تقابلی کم خطرتری مانند تحریم اقتصادی و نظامی، راه اندازی جنگ نرم فرهنگی، ترور فرماندهان و دانشمندان حوزه نظامی و موارد مشابه برای مقابله با ایران انجام

1. Global Hawk RQ-4

داده است و این رفتار محتاطانه آمریکا در تقابل با ایران می تواند نتیجه عملی بازدارندگی قدرت موشکی ایران بوده و آن را تبیین نماید.

نتیجه گیری

داشتن ابزار نظامی از هر نوع به خودی خود نمی تواند بازدارندگی ایجاد کند و ابزار نظامی مانند موشک و سلاح هسته ای هنگامی ایجاد بازدارندگی می نماید که اولاً حریف از داشتن آن ابزار یا سلاح اطلاع داشته باشد و از طرفی بداند که حریف قصد و اراده جدی برای به کار بردن آن سلاح و ابزار را دارد و تهدید طرف مقابل در واقع بلوف سیاسی نیست و در صورت تهاجم یا تهدید واقعی، اراده و توانایی استفاده از سلاح و ضربه زدن به حریف مقابل را داراست. به عبارتی، بازدارندگی به اندازه ای که مفهومی نظامی - امنیتی است، همان قدر مفهومی روانی - سیاسی نیز است و نه تنها به شرایط عینی نظامی - تکنولوژیک، بلکه به برداشت و ارزشیابی ذهنی مهاجم بالقوه نیز بستگی دارد. بنابراین، این ماهیت ذهنی و روانی یا نگرانی های ذهنی در این مورد موجب می شود که دارا بودن یک قابلیت نظامی از این جهت بازیگری را از اقدامی منع می کند، جز عناصر قدرت نرم محسوب می شود. در منظومه فکری جوزف نای به عنوان مبدع مفهوم «قدرت نرم»، این نوع قدرت یعنی اینکه بازیگری بدون تهدید، تطمیع و پرداخت، بازیگر دیگر را از دست زدن به اقدامی باز دارد. به عبارتی دیگر، بازدارندگی در صورتی می تواند در زمره قدرت نرم قرار گیرد که صرفاً به دلیل دارا بودن نوعی توانایی نظامی حاصل شود. در باب توان موشکی ایران، دارا بودن این قابلیت بازیگران دیگر را از مبادرت به برخی تحرکات و اقدامات باز می دارد، بدون اینکه ایران آنها را از طریق توان موشکی تهدید یا تطمیع کند.

از آنجا که قدرت موشکی ایران درون زا بوده و هرگونه پیشرفت و گسترش این قدرت در اختیار نیروهای نظامی است و تقریباً غیر قابل تحریم و غیر قابل نابودی می باشد، در واقع ایران با قدرت موشکی خود نوعی توازن نامتقارن ایجاد نموده و هر موقعی که اراده نماید قادر به استفاده از قدرت موشکی بوده و این برای طرف آمریکایی اثبات شده و هرگونه تهدید از طرف ایران را بلوف یا تهدید صرف تلقی نمی کنند. همچنین، توان موشکی می تواند آسیب پذیری ایران در جنگ های تمام عیار و ضعف در نیروی هوایی و دریایی را جبران کند. موقعیت استراتژیک ایران و قرارگرفتن در مرکز انرژی جهان و دسترسی به آبراه های مهم که محل انتقال انرژی جهان هستند، اهداف بسیار

آسان و دارای اهمیتی را برای ایران فراهم نموده که در صورت وقوع درگیری هر چند محدود، نابودی این اهداف هزینه های بسیار وحشتناکی را نه تنها برای آمریکا و متحدان آن به بار خواهد آورد که کل جهان و روابط اقتصادی آن متحمل زیان و ضرر بسیاری خواهد شد. احتمال عکس العمل های گوناگون از طرف ایران در صورت وقوع جنگ و منازعه در هر سطحی باعث گردیده تا امکان اقدام نظامی بر علیه ایران را برای آمریکا بسیار دشوار سازد.

به طور کلی می توان نتیجه گرفت که قدرت موشکی ایران که تابعی از دکترین دفاعی جمهوری است، هدفی تدافعی داشته و منظور اصلی از گسترش این قدرت، تقویت قدرت نرم از طریق ایجاد بازدارندگی و تامین امنیت ملی کشور است و قدرت موشکی ایران توانسته است قدرت بازدارندگی مناسبی را در مقابل ایالات متحده آمریکا ایجاد نماید و موجب افزایش قدرت چانه زنی بین المللی در مقابل دولت های مخالف ایران شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- بشری، اسماعیل (۱۳۸۹). نقش موشک در سیاست بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش نامه روابط بین‌الملل، ۳(۹)، ۹-۴۰.
- پورشاسب، عبدالعلی (۱۴۰۱). بررسی نقش قدرت فرهنگی - اجتماعی (به مثابه قدرت نرم) در تعیین دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات قدرت نرم، ۱۲(۴)، ۱۸۳-۲۰۶.
- جدیدی، علی؛ موسوی، سیدمحمدرضا و صالحی، وحید (۱۴۰۱). قدرت نرم و سیاست خارجی ایران در قبال تحولات کشور سوریه از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲، مطالعات قدرت نرم، ۱۲(۳)، ۱۶۳-۱۸۴.
- حاتمی، امیر (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر بازدارندگی نظامی در حوزه دریا و هوا فضا، مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۸(۸۲)، ۹۹-۱۱۸.
- دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۸۴). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
- رئیس، مریم، نصراللهی کاسمانی، اکبر و خیامی، عبدالکریم (۱۴۰۱). جایگاه بازدارندگی رسانه ای در صدا و سیما و مولفه‌های قدرت نرم، مطالعات قدرت نرم، ۱۲(۴)، ۵۵-۷۳.
- زمانیان، علیرض، تاج‌آبادی، حسین و متقی، ابراهیم (۱۳۹۹). ویژگی‌های راهبردی و قدرت بازدارندگی تسلیحات موشکی با تمرکز بر جمهوری اسلامی ایران، راهبرد، سال ۲۹(۹۶)، ۱۷۱-۱۳۷.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۶). پژوهش در علوم سیاسی؛ رویکردهای اثبات گرا، تفسیری و انتقادی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و دانشگاه امام صادق (ع).
- عالمیان، سعید (۱۳۹۲). برای تاریخ می گویم: خاطرات محسن رفیق دوست (۱۳۶۸-۱۳۵۷). تهران: انتشارات سوره مهر.
- عزیزی بساطی، مجتبی (۱۴۰۰). توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران ابزار موازنه یا تهدید، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۶، مرکز پژوهش‌های مجلس، قابل دسترسی در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91404> (تاریخ مشاهده ۱۴۰۲/۱/۱۲).
- قوام ملکی، حمیدرضا (۱۳۹۰). نقش موشک‌ها در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، ره نامه سیاستگذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی، ۲(۱)، ۹۷-۱۱۸.
- مستند بازدارنده (۱۳۹۹). پخش شده از شبکه ۱ در تاریخ ۱۵-۱۷ دی، قابل دسترسی در: <https://www.tv1.ir/program/224234> (تاریخ مشاهده ۱۴۰۲/۱/۱۲).

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۷). تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: سمت.

- Beit-Hallahmi, Benjamin (1988), *The Israeli Connection: Whom Israel Arms and Why*, London: *I.B.Tauris & Co Ltd*.
- Edelman, Eric and McNamara, Whitney (2017), "Contain, Degrade and Defeat: a Defense Strategy for a Troubled Middle East", *The Center for Strategic and Budgetary Assessments*.
- McInnis, J. Matthew (2017), "The Future of Iran's Security Policy (inside Tehran's Strategic Thinking)", *American Interprise Inistitue*.
- Morgenthau, H, J. (1985), *Politics among Nations*, New York: Alfred Knopf.
- Nye, Joseph (1990), "The Changing Nature of World Power", *Political Science Quarterly*, Vol. 105, No. 2, pp. 177-192.
- Taremi, Kamran (2005), "Beyond the Axis of Evil: Ballistic Missiles in Iran's Military Thinking", *Security Dialogue*, vol. 36, no. 1, pp. 93-108.
- US Department of Defense (2019), "Defense Missile Review", available at: https://www.defense.gov/Portals/1/Interactive/2018/11-2019-Missile-Defense-Review/The%202019%20MDR_Executive%20Summary.pdf (Accessed on 2 Apr 2023)

